

بروای عتاب رسن به سراج سر نوشت
 که دروغ اگر که مرغی چو تو در نفس بماند
 به پروای آوردن پروبال تو ن بماند
 که رسی به کام اگر چه از تو یک نفس بماند
 چو بیدار خاست تو فال گل و سبزه جنبه از جا
 به بنای سگله خان به خار و فتن بماند
 به گنجم از غوغای که نما کند تقلا
 و از آنکه خود گرفته است بر لبه سین بماند
 بروای عتاب عامه به قضای باز هستی
 برو پیش و پیش رو تو به پیش از هستی

x x x

۱۹۷۹
 یال .
 گردیده